

سیدمحمد بهشتی در مراسم جایزه معماری میرحیدر مطرح کرد:

اولین آثار معماری بشر مربوط به حوزه فرهنگی ایران است

بحران «کجایی» و «کیستی» در معماری معاصر

ساختمان‌های امروز به هیچ‌کجا تعلق ندارند



استقامت، گروه جامعه: سیدمحمد بهشتی، معمار و عضو پیوسته فرهنگستان هنر در پیامی ویدئویی به چهارمین دوره جایزه معماری میرحیدر در دانشگاه شهید باهنر کرمان تاکید کرد که طی دهه‌های گذشته تکنولوژی جایگزین «اهلیت» و سازگاری با محیط شده و نتیجه آن ساخت بناهای شبیه به هم و بی‌هویتی است که به هیچ‌کجا تعلق ندارند؛ مسیری که اصلاح آن به بازتعریف هویت بومی و پاسخ به پرسش «ایران کجاست و ایرانی کیست؟» بستگی دارد.

پرسشی که سال‌ها مطرح نشده است
به گزارش استقامت، وی در این ویدئو با بیان اینکه پرسش «ایران کجاست و ایرانی کیست؟» تمام ذهن او را به خود مشغول کرده، بیان کرد: «شاید این مهم‌ترین پرسشی باشد که امروز ما در ایران باید به آن بپردازیم».

بهشتی با بیان این که عدم طرح این پرسش ریشه بسیاری از مشکلاتی است که امروز با آن مواجه هستیم، افزود: «طی ۷۰ سال اخیر در جامعه ما و ۱۵۰ سال اخیر در میان نخبگان جامعه، پرسش «ایران کجاست و ایرانی کیست؟» مطرح نشده و با وجود علاقه‌مندی نسبت به بسیاری از مظاهر فرهنگ ایرانی مانند ادبیات، معماری و بسیاری چیزهای دیگر، چنین پرسشی موضوعیت نداشته است».

وی ادامه داد: «به عنوان مثال، در برنامه‌های توسعه و آبادانی کرمان، کرمان بودن کرمان و کرمانی بودن کرمانی‌ها امر تشریفی شمرده می‌شود نه یک موضوع مهم یا به عبارتی مهم‌ترین موضوع».

این استاد دانشگاه با بیان این که حاصل این پرسش، چیزی تحت عنوان اهلیت است، توضیح داد: «بیش از ۱۵۰ سال است که نخبگان ما و حدود ۷۰ سال است که کل جامعه دچار اختلال در اهلیت شده است».

جایگزینی «اهلیت» با «تکنولوژی»
وی یادآور شد: «اهلیت یعنی داشتن معرفت نسبت به هر موضوع؛ یعنی ما ادامه آن موضوع شویم و آن موضوع نیز ادامه وجود ما شود».

وی افزود: «طی هزاران سال، آبادانی در سرزمین ما برگرفته از دانش و معرفتی بوده که از تعامل بین جامعه و محیط به دست می‌آمده است و زمان بسیار کوتاهی است که ما فکر کردیم به جای اهلیت می‌توانیم تکنولوژی را بنشانیم و در طول این ۱۵۰ سال گذشته، به شیوه‌های مختلف تکنولوژی را جانشین اهلیت کردیم».

عضو شورای عالی میراث فرهنگی با تاکید بر این که مقصود از تکنولوژی به معنای عام کلمه

است، اظهار کرد: «تکنولوژی یعنی ما دیگر کاری به محیط پیرامون خود نداریم».

وی با ارائه مثالی توضیح داد: «در حال حاضر وقتی فردی به پزشک مراجعه می‌کند، دکتر بعد از گرفتن شرح حال از بیمار برای او آزمایش تجویز می‌کند و پس از آن بر اساس نتایج و تشخیص بیماری، برای او دارو تجویز می‌کند در حالی که در گذشته وقتی فردی به پزشک مراجعه می‌کرد از او درباره شغل و محل سکونتش سوال می‌کرد و بعد از مشخص کردن مختصات محیطی مراجعه‌کننده، شرح حال بیمار را می‌گرفت».

دیگر ساختمان‌های زیبا نمی‌سازیم
بهشتی افزود: «ما سال‌هاست به محیط توجهی نداریم و حتی اگر بخواهیم صنعتی را در کشور مستقر کنیم برای ما تفاوتی ندارد که این صنعت در کدام استان و با چه شرایطی قرار است مستقر شود».

وی اضافه کرد: «اگر با وجود همه زحماتی که کشیدیم و سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام دادیم، احساس توسعه‌یافتگی نمی‌کنیم ناشی از این است که پرسش «ایران کجاست و ایرانی کیست؟» برای ما وجود ندارد».

عضو پیوسته فرهنگستان هنر با بیان این که یکی از آینه‌هایی که این موضوع کاملاً در آن منعکس است، آینه معماری امروز ماست، خاطرنشان کرد: «اولین آثار معماری بشر مربوط به حوزه فرهنگی ایران است، زیرا این سرزمین نخستین جایی بود که انسان در آن یک جا نشین شد».

وی یادآور شد: «در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی، ایشان یک نمونه از کهن‌ترین خشت‌های جهان را به سازمان ملل اهدا کرد، یعنی ایران چنین سابقه‌ای در ساختمان‌سازی دارد».

بهشتی تصریح کرد: «تا سال ۱۳۳۵ که بدنه جامعه ایران در اهلیت خود مستقر بود، ما نمی‌توانستیم ساختمان زشت و غلط بسازیم و اگر در کرمان به ساختمان‌هایی که قبل از سال ۳۵ ساخته شده توجه کنید، حتماً

شما یک ساختمان درست بسازید، ساختمانی که روابط فضایی آن با هم درست باشد، پرت فضایی نداشته باشد، سقف آن روی دیوارش بایستد و بقیه موارد را به عنوان تجمعات قلمداد می‌کنند در صورتی که وقتی به ساختمان‌های گذشته نگاه می‌کردید همه این خصوصیات را داشت به اضافه اینکه زیبا، دلنشین و باصفا هم بود؛ چیزهایی که ما امروز آن‌ها را به عنوان تزئین قلمداد می‌کنیم».

بهشتی با بیان مثال دیگری ادامه داد: «امروز حمام خانه همه ما، مجهزتر از حمام گنجعلیخان است، اما حمام گنجعلیخان چیزی دارد که نه تنها حمام خانه ما که حتی خانه ما هم ندارد. حمام گنجعلیخان مانند یک جواهر تراش خورده است. گذشتگان ما به کم قانع نبودند و حتی حمام‌شان هم باید زیبا می‌بود».

وی با بیان این که در گذشته به زیبایی همه مکان‌ها خانه، بازار، مسجد و حمام اهمیت داده می‌شد، تصریح کرد: «اگر در معماری ایران تامل کنیم متوجه می‌شویم که در قیاس با سایر کشورهای جهان، ما شعر معماری، شعر خانه و شعر حمام را می‌سرودیم، اما امروز دست از شاعری برداشته‌ایم و دیگر در عرصه معماری شاعری نیستیم».

گرفتار شدن در یک خرافه مدرن
این استاد دانشگاه اظهار کرد: «اگر قرار است این مشکل حل شود با جواب دادن به پرسش، ایران کجاست و ایرانی کیست؟ در مقیاس کلان، و در مقیاس خردتر با پرسش کرمان کجاست و کرمانی کیست؟ امکان‌پذیر خواهد بود».

وی اضافه کرد: «کیستی و کجایی شهرها و محیط‌ها با یکدیگر متفاوت است. کرمان با رفسنجان یک جا محسوب نمی‌شوند، هر کدام برای خود تشخیص و ویژگی‌های منحصر به‌فردی دارند که باید حتماً در همه شئون زندگی مردم این شهرها، از جمله در معماری که مهم‌ترین آن هاست، منعکس شود».

بهشتی با بیان این که چطور باید به این سوال پاسخ داد، افزود: «هر چیزی در هر وضعیتی که قرار دارد، محصول برایندها و برآیندهایی است که بخشی از این برآیندها از ثبات برخوردارند و بخشی متغیر هستند».

وی یادآور شد: «امروز ما دچار یک خرافه مدرن شده‌ایم، هیچ چیز باثباتی را به رسمیت نمی‌شناسیم و می‌گوییم هرچه هست متغیرها هستند».

بهشتی ادامه داد: «جهان بارها ورق خورده و شاهد یک ورق تازه بودیم، شکلی از تکنولوژی وارد شده که پیشرفت‌های قبلی را باطل کرده است، ما در حالی متغیرها را دائم در مدار هستی می‌دانیم که موارد ثابت در جای دیگر هستند، اما ما آن‌ها را انکار می‌کنیم».

عضو پیوسته فرهنگستان هنر تصریح کرد: «مسائل ثابت در هر وضعیتی تعیین‌کننده و

سرنوشت‌ساز هستند، اما مقصود این نیست که متغیرها تأثیر ندارند».

ساختمان‌هایی که به هیچ‌کجا تعلق ندارند
وی در ادامه با طرح این پرسش که «کرمان کجاست؟ و کرمانی کیست؟» افزود: «اگر پاسخ به این سوال بر اساس چیزهایی که از ثبات برخوردار هستند، داده شود، آن زمان متوجه می‌شویم در عرصه معماری از دوره سلجوقی که نمونه‌های قابل توجهی باقی مانده تا دوره قاجار، با وجود تغییرهای زیاد زمانه که کاملاً در معماری منعکس است، تمام آثار از یک تبار برخوردارند، تابع سنتی هستند که زاینده است و از دل آن باغ گلشن، مسجد شیخ لطف‌الله و حمام گنجعلیخان بیرون می‌آید که هر کدام کاربری و مصالح متفاوتی دارند و در نقاط مختلفی بنا شده‌اند، اما مشخص است که همه اصالت دارند».

بهشتی یادآور شد: «در نمونه‌های معماری امروز، همه بناهایی که ساخته شده شبیه یکدیگر هستند اما فصل مشترک آن‌ها این است که به هیچ‌کجا تعلق ندارند».

وی افزود: «احوال جامعه ما، از نظر فرهنگی دچار تغییر و تحول شده است و آمادگی پذیرفتن این خبر دردناک را دارد که ۷۰ سال مسیر را کج رفته و البته دارد آمادگی این را پیدا می‌کند که بالاخره مسیرش را اصلاح کند».

بهشتی ادامه داد: «پس باید الان که می‌خواهد مسیرش را اصلاح کند به‌خاطر داشته باشد مسیرش زمانی اصلاح می‌شود که به چنین پرسشی پاسخ داده شود؛ زیرا همه کجروی ما، محصول نداشتن چنین پرسشی بوده، برای ما فرقی نداشته که ایران و ایرانی چه مشخصاتی دارند؛ ساختمان‌های ذبی را دیدیم و بعد گفتیم کاش نمونه این سازه‌ها در سرزمین خودمان را هم داشته باشیم و این همه ساختمان عجیب و غریب که در شهرها شاهد هستیم حاصل چنین رویکردی است و این مسیر قابل تداوم نیست».

وی خاطرنشان کرد: «زمان اتخاذ تصمیم‌های سخت در همه صحنه‌ها از جمله در معماری است و باید یک بار دیگر این سوال را در مفهوم عام «ایران کجاست و ایرانی کیست؟» و در مفهوم خاص در هر زیستگاه ما، «آن زیستگاه کجاست و اهل آن کی هستند؟» را مطرح کنیم».

بهشتی در توضیح بیشتر خاطرنشان کرد: «مقصود از کجا در این پرسش، مختصات، طول و عرض جغرافیایی و زمین آن جا نیست، بلکه زمینه آن است، و مقصود از مردم آن سرزمین، شاخص‌های ثبت‌شده توسط ثبت‌احوال یا داده‌های وزارتخانه‌های مختلف نیست، بلکه به مفهوم عمیق فرهنگی باید این پرسش را طرح کنیم».

وی در پایان تاکید کرد: «تا زمانی که پاسخی برای این پرسش پیدا نکردیم، هنوز در حال طی کردن مسیر نادرست هستیم».

ولادت بانوی فداکار و پیام‌سان قیام عاشورا

حضرت زینب (س) و روز پرستار را تبریک می‌گوییم.



شرکت مدنی و صنعتی کم‌زمین
(سهای عام)
روابط عمومی و امور بین الملل

